

## مرحله نهایی دادگاه تجدید نظر حمید نوری پایان یافت!

بهرام رحمانی

[bahram.rehmani@gmail.com](mailto:bahram.rehmani@gmail.com)

### مقدمه

دادگاه استیناف (تجدید نظر) حمید نوری در استکهلم به پایان رسید. رای نهائی این دادگاه ۱۹ دسامبر ۲۰۲۳ برابر با ۲۸ آذر ۱۴۰۲، اعلام خواهد شد.

تلاش‌های وکلای جدید حمید نوری که یکی از آن‌ها «توماس بودستروم» در گذشته وزیر دادگستری سوئد بود، برای رد صلاحیت دادگاه بی‌نتیجه ماند. حمید نوری به اتهام دست داشتن در اعدام‌های سال ۶۷ در دادگاه بدوی، پس از ۹۳ جلسه، در تیرماه سال گذشته به حبس ابد محکوم شده بود.

نهادهای جمهوری اسلامی و رسانه‌های وابسته به حکومت و هم‌چنین سفارت جمهوری اسلامی در استکهلم برخلاف دادگاه بدوی، که به‌طور رسمی و علنی نسبت به محاکمه نوری اهمیت چندانی نشان ندادند اما در این دوره که دادگاه استیناف او در جریان بود تلاش‌های نهان و آشکار زیادی را به‌کار گرفتند تا از یک‌سو این دادگاه را حاشیه‌ای و غیرموثر نشان دهند و از سوی دیگر، با سرمایه‌گذاری روی وکالت وزیر دادگستری سابق و دفاع او از حمید نوری، بتوانند هم حمید نوری و هم جمهوری اسلامی را در نزد افکار عمومی مردم سوئد و جهان و ایران، بی‌گناه جلوه دهند و تبرئه نمایند. اما اکنون به جرات می‌توان گفت همه این سرمایه‌گذاری‌ها و ترفندها و تبلیغات جمهوری اسلامی تا این‌جا بر باد رفته و با شکست مواجه شده است. شاکیان این پرونده و خانواده‌های زندانیان سیاسی که در آن تابستان خونین در زندان گوهردشت اعدام شدند، معتقدند تلاش‌های حمید نوری و وکلایش برای بی‌اعتبار ساختن دادگاه و گرفتن حکم برائت از حمید نوری اسلامی بی‌نتیجه مانده است و دادگاه استیناف به احتمال زیاد حکم دادگاه بدوی را تایید خواهد کرد. بازداشت حمید نوری تا زمان صدور حکم، هم‌چنان ادامه خواهد داشت.



حمید نوری با نام مستعار عباسی چهار سال پیش یعنی در روز ۱۸ آبان ۱۳۹۸-نهم نوامبر ۲۰۱۹، به محض ورود به فرودگاه استکهلم بازداشت شد.

اتهاماتی که دادستانی سوئد در رابطه با زندانیان مجاهدین خلق به حمید نوری نسبت داده، «جنایت جنگی» و «قتل عمد» است. اما اتهامی که دادستانی در رابطه با زندانیان چپ به او نسبت داده تنها قتل عمد است.

در جریان اعدام‌های سال ۶۷ ظرف حدود دو ماه (مرداد و شهریور) هزاران زندانی سیاسی با «حکم» آیت‌الله خمینی، بنیان‌گذار و رهبر جمهوری اسلامی و مخفیانه در گورهای دسته‌جمعی دفن شدند.

بسیاری از زندانیانی که اعدام شدند، پیش‌تر محاکمه و به حبس محکوم شده بودند و در حال سپری کردن حکم خود در زندان بودند. حتی حکم حبس برخی از زندانیانی که اعدام شدند به پایان رسیده بود و آن‌ها، هم‌چنان زندانی بودند. در این اعدام‌ها زندانیان سیاسی مجاهد، چپ و غیر مذهبی کشته شدند. تعداد دقیق اعدام‌شدگان هنوز روشن نیست.

ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور فعلی ایران نیز متهم است که یکی از عوامل اصلی اعدام‌های سال ۶۷ بوده است. حمید نوری در روز ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۲ از سوی دادگاه بدوی منطقه‌ای استکهلم سوئد، به دلیل در اعدام‌های گسترده زندانیان سیاسی مجاهد و مارکسیست در زندان گوهردشت (رجایی شهر) کرج به حبس ابد محکوم شد. او اعدام زندانیان سیاسی را «ساختگی» و «جعلی» خوانده و مقامات ایران نیز بارها اعلام کرده‌اند او بی‌گناه است. روز دوشنبه ۱۵ آبان ماه ۱۴۰۲ برابر با ۶ اکتبر ۲۰۲۳ وکیل برجسته مجاهدین خلق ایران، آقای کنت لوئیس بیش از ۴ ساعت به دفاع از شاهدان و شاکیانش پرداخت. روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه همین هفته وکلای جمهوری اسلامی دفاع نهایی خودشان را از حمید نوری ارائه کرده بودند. پیش‌تر وکلای مدافع حمید نوری از دادگاه تجدید نظر منطقه اسویا در سوئد خواسته بودند تا سه مقام جمهوری اسلامی ایرانی در دفاع از حمید نوری شهادت دهند که بی‌نتیجه ماند.

### حبس ابد برای حمید نوری در دادگاه بدوی

توماس ساندر، قاضی دادگاه حمید نوری، برای دادیار سابق زندان گوهردشت و متهم به مشارکت در اعدام زندانیان سیاسی در ایران در تابستان سال ۱۳۶۷، حکم حبس ابد صادر کرد. حبس ابد در سوئد، برابر ۲۵ سال زندان است که محکوم پس از گذراندن دو سوم دوره حبس، می‌تواند به صورت مشروط آزاد شود. ساندر اعلام کرد که دادگاه پذیرفته است نوری در موارد اتهامی مجرم بوده و نقشش در موارد مورد رسیدگی دادگاه، محرز است.

حمید نوری، دادیار سابق زندان گوهردشت و متهم به مشارکت در اعدام زندانیان سیاسی در ایران در تابستان سال ۱۳۶۷، با دو اتهام «جنایت جنگی» و «قتل عمد» مواجه بود و دادستان، کریستینا لیندهوف کارلسون، در کیفرخواست نهایی خود برای او تقاضای حبس ابد کرده بود.

حمید نوری ۱۸ آبان ۹۸ به فرودگاه استکهلم رسید و بلافاصله دستگیر شد. او همه وقایع مربوط به اعدام‌های سال ۶۷ و هم‌چنین اتهام‌ها علیه خود را «نمایشنامه» و «داستان سرتاسر خیالی، توهمی و پوشالی، جعلی و غیرمستند» خواند. پس از صدور حکم حبس ابد حمید نوری ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۲، طبق قانون به طرفین دعوی سه هفته فرصت داده شده بود (تا ۴ اوت ۲۰۲۲) تا اگر «مایلند حکم در هر قسمتی تغییر کند»، تا این تاریخ رئیس‌موس مواردی که خواهان تجدیدنظر آن هستند را ارائه کنند.

دادستان‌ها در ۱۰ اوت ۲۰۲۲ و وکلای مدافع حمید نوری در ۱۷ اکتبر ۲۰۲۲ درخواست‌نامه تجدیدنظر خود را ارائه کردند.

### تلاش دو وکیل سوئدی حمید نوری تبرئه او در طول دادگاه استیناف

دو وکیل سوئدی حمید نوری ضمن این‌که خواستار تبرئه او شدند بر چند دفاعیه پیشین خود از جمله «عدم صلاحیت دادگاه سوئد برای رسیدگی به عناوین کیفری مطرح شده» و «ناکافی بودن تحقیقات مقدماتی دادستان به ویژه در پیوند با ایران» تأکید کردند.

آن‌ها هم‌چنین بر سوتفاهم‌های ناشی از «مشابهت اسمی» تأکید کردند. حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه ایران قبلاً با فرزند حمید نوری دیدار کرده و گفته است «جمهوری اسلامی تمام تلاش برای آزادی او را کار خواهد بست.» دادستان دادگاه نوری در مقابل دفاعیات وکلای سوئدی حمید نوری را جانب‌دارانه خواند.

لازم به یادآوری است که دادگاه تجدیدنظر منطقه سویا (SVEA) در سوئد، پس از نزدیک به سه ماه مکاتبه با دادستان‌ها و وکلای مدافع سابق و جدید حمید نوری در ۱۷ اکتبر ۲۰۲۲ به طرفین دعوی اعلام کرده بود که جلسات استماع دادگاه تجدیدنظر از هفته دوم ژانویه ۲۰۲۳ آغاز می‌شود. روز ۱۰ نوامبر ۲۰۲۲، دادگاه در توافق با دادستان‌ها، وکلای مشاور شاکیان و وکلای مدافع تاریخ دقیق آغاز جلسات را ۱۱ ژانویه ۲۰۲۳ اعلام کرد. برنامه هفت جلسه اول دادگاه نیز بدین ترتیب اعلام شده است: ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ژانویه ۲۰۲۳ اظهارات دادستان‌ها؛ ۱۸ و ۱۹ ژانویه اظهارات وکلای مشاور شاکیان؛ ۲۳ و ۲۵ ژانویه اظهارات دفاع.

طبق پیش‌بینی دادستان‌ها، جلسات استماع دادگاه تجدیدنظر نیز همانند دادگاه بدوی حدود ۹ ماه طول خواهد کشید.

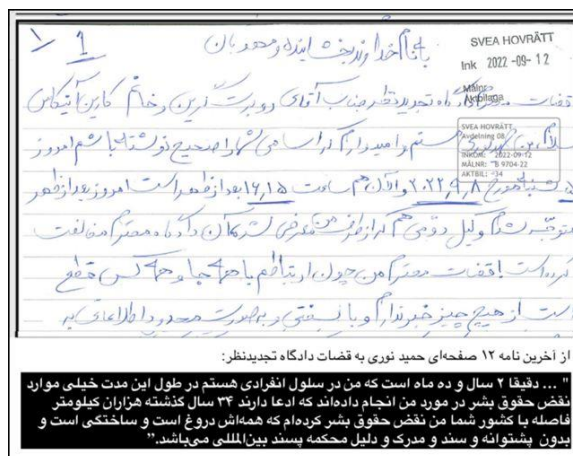
تعیین وزیر دادگستری پیشین سوئد به عنوان یکی از دو وکیل مدافع جدید حمید نوری از موضوعات مورد توجه مطبوعات سوئد در ماه‌های گذشته بوده است.

رئوس مواردی که دادستان‌ها خواهان تغییر آن‌ها شده‌اند عبارتند از: در مورد اتهام اول (جنایت جنگی فاحش- زندانیان مجاهد)، علاوه بر افعال مجرمانه ذکر شده در حکم، حمید نوری به مشارکت در انتقال زندانیان به محل اعدام، دادن اطلاعات شفاهی و کتبی به کمیته مرگ، و اعدام ظفر جعفری افشار نیز محکوم شود. در مورد اتهام دوم (قتل عمد - زندانیان چپ)، علاوه بر افعال مجرمانه ذکر شده در حکم، حمید نوری به مشارکت در انتقال زندانیان به محل اعدام نیز محکوم شود.

رئوس مواردی که وکلای مدافع حمید نوری خواهان تغییر آن‌ها شده بودند عبارتند از: در درجه اول ابطال حکم دادگاه و رفع کلیه اتهامات، در درجه دوم تبرئه حمید نوری از اتهامات و لغو پرداخت خسارت به شاکیان، در درجه سوم کاهش میزان مجازات و تقلیل مقدار خسارت، و در آخر هم لغو دستور اخراج حمید نوری از کشور سوئد. مبنای این درخواست‌ها صلاحیت قضایی دادگاه استکهلم و عدم اثبات جرم ورای شک معقول به دلیل ارزیابی نادرست صحت و سقم شواهد و مدارک و نتیجه‌گیری‌های حقوقی نادرست اعلام شده است.

وکلای سابق حمید نوری بار اول در تاریخ ۲۹ ژوئیه ۲۰۲۲ از دادگاه تجدیدنظر درخواست کردند که زمان ارسال درخواست‌نامه را تا ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲ تمدید کند، چرا که ترجمه فارسی حکم دادگاه استکهلم چند هفته طول خواهد کشید. این درخواست پذیرفته شد. ترجمه فارسی بخش اصلی حکم در تاریخ ۲۵ اوت ۲۰۲۲ منتشر شد. اما ارسال درخواست‌نامه تجدید نظر یک بار دیگر نیز به علت عزل وکلای مدافع توسط حمید نوری و تعیین وکلای مدافع جدید تا ۱۷ اکتبر ۲۰۲۲ تمدید شد.

در ۵ اوت ۲۰۲۲ حمید نوری ضمن درخواست عزل دو وکیل مدافع سابق خود از دادگاه خواست که وکیل سوئدی جدیدی که خانواده‌اش به او معرفی کرده بودند را تایید کند. در ۲۵ آگوست ۲۰۲۲ دادگاه تجدیدنظر ضمن نپذیرفتن وکیل معرفی شده به علت «بی‌تجربگی» تاکید کرد که این پرونده باید در هر حال دو وکیل مدافع داشته باشد و از وکلای سابق حمید نوری خواست که دو وکیل جدید معرفی کنند.



حمید نوری با ارسال چندین نامه به دادگاه تجدید نظر، ضمن اعتراض به این که «من ملاقات ندارم»، «من اجازه تماس تلفنی با خانواده‌ام و سفارت ایران ندارم»، و «من در سلول انفرادی هستم» برای تعیین وکلایش پیشنهادات متعددی داد، از جمله: «بگویند فوراً اجازه ملاقات و تماس تلفنی من با خانواده‌ام و وکلای ایرانی‌ام و نمایندگان سفارت برقرار گردد تا من بتوانم فوری با هماهنگی آن‌ها وکلای جدید انتخاب و معرفی کنم»، «لیستی از تعدادی از وکلای دارای صلاحیت در مورد پرونده من حداقل ۱۰ تا ۲۰ نفر خودتان بدهید و به من هم اجازه دهید با آن‌ها یا ملاقات داشته باشم یا تلفنی چند دقیقه‌ای صحبت داشته باشم تا خودم از بین آن‌ها ۲ نفر را انتخاب کنم»، و «من دو تا وکیل ایرانی دارم که در حال حاضر در استکهلم هستند، اجازه دهید و دستور دهید تا من آن‌ها را ببینم و ضمن صحبت با آن‌ها ۲ وکیل جدید سوئدی انتخاب کنیم.»

سرانجام در ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۲ وکلای سابق حمید نوری دادگاه تجدید نظر را مطلع می‌سازند که حمید نوری پس از مکالمه تلفنی با دو وکیل جدید، توماس بودستروم (Thomas Bodström) و هانا لارسون (Hanna Larsson)، آن‌ها را برای وکالت پرونده پذیرفته است.

وکلای مدافع جدید در ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲ از دادگاه تجدید نظر درخواست کردند که زمان ارسال درخواست‌نامه تجدید نظر اولیه و تکمیلی را تمدید کند، چرا که حجم پرونده تحقیقات مقدماتی بسیار زیاد است، مدارک و مکاتبات زیادی که وکلای مدافع سابق در طول دادرسی در دادگاه استکهلم گردآوری کرده‌اند بدست آن‌ها نرسیده، و حمید نوری خواهان تحقیقات بیش‌تری شده است. این درخواست تمدید پذیرفته شده است.

دو وکیل جدید حمید نوری که از ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۲ وارد پرونده شده‌اند سوابق حرفه‌ای متفاوتی دارند. سابقه کاری هانا لارسون کوتاه است، ولی توماس بودستروم علاوه بر داشتن ۳۲ سال سابقه وکالت، از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ وزیر دادگستری سوئد بوده و قبلاً نیز در دو پرونده اصل صلاحیت قضایی جهانی شرکت داشته است. در پرونده محکوم رواندایی کلاور (-۲۰۱۶) (۲۰۱۷)، بودستروم وکیل مشاور چهار تن از شاکیان بوده است. در پرونده محکوم رواندایی تئودور تابارو (۲۰۱۹-۲۰۱۸)، بودستروم وکیل مدافع محکوم علیه تابارو در هر سه مرحله دادگاه بدوی و تجدید نظر و دیوان عالی کشور بوده است. بودستروم در مکاتبه ۱۲ اکتبر ۲۰۲۲ خود با دادگاه تجدید نظر اظهار داشته است که حمید نوری اخیراً که محدودیت‌های تماسش برداشته شده، با سفارت ایران، خانواده، و یک وکیل از ایران که از طرف خانواده استخدام شده مکاتبه کرده است. او در ادامه اظهار داشته که وکیل ایرانی حمید نوری وکلایی را در کشورهای دیگر استخدام کرده است که در این مدت مطالب زیادی در رد ادعاهای پرونده گردآوری کرده‌اند.

طبق گزارشی که در ۱۶ شهریور ۱۴۰۱ در خبرگزاری میزان (خبرگزاری قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران) تحت عنوان «میزگرد بررسی ابعاد حقوقی پرونده حمید نوری» منتشر شده، فرد ایرانی که از طرف خانواده حمید نوری استخدام شده است هیبت‌الله نژندی‌منش، استادیار حقوق بین‌الملل در دانشگاه علامه طباطبائی است.



دادگاه تجدید نظر در دادگاه تجدید نظر سوئد (SVEA)، ۱۷ اکتبر ۲۰۲۲ زمان بندی مراحل پیش و پس از شروع جلسات استماع دادگاه را این گونه اعلام کرده است:

- وکلای مدافع حمید نوری بایستی تا ۲۴ اکتبر ۲۰۲۲ استدلال‌های بخش اول تجدید نظرخواهی خود را ارسال کنند؛
- دادستان‌ها و وکلای شاکیان بایستی تا ۳۱ اکتبر ۲۰۲۲ در باره مکاتبه ۲۴ اکتبر ۲۰۲۲ وکلای حمید نوری نظرات خود را ارسال کنند؛
- دادگاه در جلسه کوتاهی در تاریخ ۱۰ نوامبر ۲۰۲۲ با دادستان‌ها، وکلای مشاور شاکیان و وکلای مدافع حمید نوری، برای جلسات استماع دادگاه برنامه اولیه تهیه خواهد کرد؛
- وکلای مدافع حمید نوری بایستی تا ۹ دسامبر ۲۰۲۲ استدلال‌ها و شواهد و مدارک نهایی خود را ارسال کنند؛
- دادستان‌ها و وکلای شاکیان بایستی تا ۱۶ دسامبر ۲۰۲۲ در باره مکاتبه ۹ دسامبر ۲۰۲۲ وکلای حمید نوری نظرات خود را ارسال کنند؛
- جلسات استماع دادگاه از هفته دوم ژانویه آغاز خواهد شد؛

- هفت جلسه اول دادگاه اختصاص دارد به اظهارات دادستان‌ها (سه روز) شاکیان (دو روز) و حمید نوری (دو روز)؛  
- در طول شش ماه اول سال ۲۰۲۳ هیات قضاوت ویدئوهای جلسات دادگاه استکهلم را نگاه می‌کند و در زمان‌های مناسب به طرفین دعوا فرصت اظهار نظر بیشتر داده می‌شود؛  
- برنامه کامل جلسات دادگاه پیش از شروع جلسات اعلام خواهد شد.  
در دادگاه تجدید نظر سوئد، قضاوت توسط هیاتی متشکل از سه قاضی حرفه‌ای و دو دادرس غیرحرفه‌ای صورت می‌گیرد.

### تلاش‌های پیگیر جمهوری اسلامی برای آزادی حمید نوری

تاکنون مقام‌های جمهوری اسلامی بارها از دولت سوئد خواسته‌اند تا هر چه سریع‌تر حمید نوری آزاد کند. از جمله حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، روز ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۲ در روز دیدار با مجید نوری، فرزند حمید نوری، از گفت‌وگوی تلفنی با آن لینده، وزیر امور خارجه سوئد نیز خبر داد و گفت در تماس با او، خواستار آزادی فوری حمید نوری شده است.

یک روز بعد هم مسعود ستایشی، سخن‌گوی قوه قضاییه جمهوری اسلامی نیز گفت: «باید با مذاکرات، آزادی حمید نوری را پیش ببریم.»

از سوی دیگر، اما بررسی معاهده مبادله محکومان با ایران در پارلمان بلژیک مطرح شد و با وجود این که اسدالله اسدی، دیپلمات سابق جمهوری اسلامی به ۲۰ سال زندان محکوم شده بود، سرانجام آزاد و راهی تهران شد. در این شرایط گمانه‌زنی درباره احتمال مبادله زندانیان اروپایی با جمهوری اسلامی افزایش یافته است. پیش از این نیز احتمال مبادله حمید نوری و اسدالله اسدی با احمدرضا جلالی، پژوهش‌گر ایرانی-سوئدی مطرح شده بود.



جمهوری اسلامی روز یک‌شنبه، هفتم خرداد ۱۴۰۲، اعلام کرد در حال رایزنی برای آزادی حمید نوری، از متهمان اعدام‌های تابستان ۱۳۶۷، است.

این خبر تنها دو روز پس از آزادی اسدالله اسدی، دیپلمات پیشین جمهوری اسلامی و محکوم به اقدام تروریستی در خاک اروپا، مطرح شد.

اسدالله اسدی، دیپلمات جمهوری اسلامی که به‌خاطر دست داشتن در یک اقدام تروریستی علیه همایش مجاهدین خلق ایار نرد پاریس در بلژیک زندانی بود، روز جمعه، پنجم خرداد ۱۴۰۲، به ایران بازگردانده شد.

اسدی با پادرمیانی عمان با اولیویه وندکاستیل، شهروند بلژیکی که از بهمن ۱۴۰۰ به اتهام جاسوسی در ایران زندانی بود، مبادله شد.

حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، در تایید خبر آزادی اسدی، از او به‌عنوان «دیپلمات بی‌گناه» کشور یاد کرد که «بر خلاف حقوق بین‌الملل و به‌طور غیرقانونی» در بازداشت بوده است.

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در دیدار با همتای سوئدی خود در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل، بار دیگر خواستار استرداد حمید نوری، از دست‌اندرکاران اعدام‌های دهه شصت در ایران شد.



به گزارش خبرگزاری دولتی «ایسنا»، حسین امیرعبداللہیان در دیدار با تویباس بیلستروم، وزیر امور خارجه سوئد، از او خواسته است تا دولت این کشور در «مرحله تجدید نظر»، تصمیم به «آزادی» این محکوم به مشارکت در اعدام مخالفان سیاسی جمهوری اسلامی بگیرد.

بر پایه این گزارش، وزیر خارجه جمهوری اسلامی در ارتباط با «تبادل سفرا» با این کشور نیز گفته است: «منتظر یک اقدام خوب درباره قرآن کریم در کشور سوئد هستیم.»

اسدالله اسدی که پیش از دستگیری دبیر سوم سفارت جمهوری اسلامی در اتریش بود، در تیرماه سال ۱۳۹۷ به اتهام دست داشتن در عملیات بمب‌گذاری علیه گردهمایی سازمان مجاهدین خلق در پاریس بازداشت شده بود.

او که از سوی پلیس اروپا به‌عنوان یکی از مسئولان اصلی ایستگاه اطلاعاتی ایران در کل این قاره شناخته شد، در دادگاه تروریستی انتورپ بلژیک به بیست سال زندان محکوم شد.

وی در نهایت پس از تحمل تنها ۵ سال حبس با وندکاستیل ۴۲ ساله که به اتهام جاسوسی به ۴۰ سال زندان در ایران محکوم شده بود معاوضه شد.

اقدام بلژیک در آزادی اسدی با واکنش‌های منفی بسیاری روبرو شد.

دو روز پس از آزادی اسدالله اسدی، دیپلمات محکوم به تروریسم، معاون امور بین‌الملل و حقوق بشر وزارت دادگستری جمهوری اسلامی اعلام کرد که تلاش‌هایی نیز برای آزادی حمید نوری، از متهمان اعدام‌های تابستان ۱۳۶۷ در جریان است.

عسکر جلالیان روز یکشنبه هفتم خرداد به خبرگزاری میزان، وابسته به قوه قضاییه، گفت: «ما در حال انجام تلاش‌هایی در پرونده نوری هستیم و امیدواریم بتوانیم به زودی خبر خوبی در پرونده حمید نوری برای مردم کشورمان داشته باشیم.»

او افزود: «ما با سوئد سند لازم الاجرا نداریم، اما مذاکرات با کشور سوئد در زمینه موافقت‌نامه‌های مذکور در حال انجام است.»

این مبادله زندانی موجهی از محکومیت‌ها را به همراه داشته و عفو بین‌الملل با صدور بیانیه‌ای از دولت بلژیک به دلیل آزاد کردن آقای اسدی انتقاد کرد.

سازمان عفو بین‌الملل در بیانیه‌ای این اقدام دولت بلژیک را به مثابه مصونیت بخشیدن به اقدامات فراقضایی، شکنجه و سایر بدرفتاری‌های جمهوری اسلامی علیه مخالفان خود دانسته و یادآور شد که آزادی اسدالله اسدی «به حق قربانیان برای رسیدن به عدالت، غرامت و جلوگیری از تکرار نشدن چنین قانون‌شکنی‌هایی آسیب زده است.»

مماشات کشورهای غربی در خصوص آزادی افرادی که در خاک اروپا اقدام به عملیات تروریستی کرده‌اند، امری سابقه‌دار است.

علی وکیلی‌راد یکی از قاتلان شاپور بختیار به حکم دادگاهی در فرانسه از این کشور اخراج شد که به معنای آزادی او بود. این حکم تنها چند روز پس از آزادی کلوتیلد ریس شهروند فرانسوی زندانی در ایران صادر و علی وکیلی راد سه‌شنبه ۲۸ اردیبهشت

ماه سال ۱۳۸۹ به تهران بازگشت.

دولت اتریش حتی حاضر به محاکمه و بازداشت متهمان ترور عبدالرحمن قاسم‌لی نشد و محمد جعفری صحرارودی و امیر منصور بزرگیان اصل را که با پاسپورت جعلی غفور درجی به اتریش آمده بود، خیلی زود به ایران بازگرداند.

اکنون تلاش‌های جمهوری اسلامی برای آزادی نوری در حالی صورت می‌گیرد که سال گذشته، وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی از بازداشت یک تبعه سوئد در ایران به اتهام «جاسوسی» خبر داد.

جمهوری اسلامی، از ابتدای بازداشت و سپس روند محاکمه حمید نوری، همواره خواهان استرداد او بوده و در این میان، برخی شهروندان سوئدی نیز در ایران بازداشت شده‌اند تا گمانه‌زنی‌ها برای احتمال «گروگانگیری» از سوی تهران برای انجام

«مبادله» شدت گیرد.

سال گذشته دو هفته پس از اعلام حکم حمید نوری، وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی از بازداشت «یک تبعه سوئدی» هنگام خروج از کشور به اتهام «جاسوسی» و «برخی رفتارها و ارتباطات مشکوک» او در «سفرهای چندگانه پیشین به ایران»

خبر داده بود.

بیست و یکم شهریور ماه امسال نیز مسعود ستایشی، سخن‌گوی قوه قضاییه جمهوری اسلامی با تایید بازداشت «یک تبعه سوئد» بدون اشاره به نامش، ادعا کرده بود که او در «سرزمین جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرایم» شده است.

دولت سوئد، نیمه شهریور ماه پس از انتشار گزارشی توسط روزنامه نیویورک تایمز، تایید کرد که یوهان فلودروس، شهروند این کشور که برای تشکیلات امور خارجی اتحادیه اروپا کار می‌کرد، سال گذشته در ایران بازداشت شده است. او تا زمان اعلام

خبر بیش از ۵۰۰ روز بود که تحت بازداشت نهادهای حکومتی ایران قرار داشت.

برخی کارشناسان با توجه به سابقه جمهوری اسلامی، این احتمال را مطرح می‌کنند که تهران قصد دارد حمید نوری را با یک یا چند شهروند غربی به گروگان گرفته شده «مبادله» کند.



بازداشت یوهان فلودروس تبعه سوئد در ایران

### درخواست دادگاه از سه مقام جمهوری اسلامی برای شهادت

رابرت گرین، رئیس دادگاه، در ماه سپتامبر ۱۴-۲۰۲۳-۲۰ شهریور ۱۴۰۲، از مقام‌های جمهوری اسلامی ایران برای حضور محمد مقیسه (معروف به ناصران، دادیار ناظر و رئیس زندان گوهردشت در سال ۱۳۶۷)، مصطفی پورمحمدی (نماینده وزارت اطلاعات در هیات صادرکننده احکام اعدام در زندان‌های اوین و گوهردشت در سال ۱۳۶۷) و سیروس شیخ‌پور (قاضی در زندان اوین در سال ۱۳۶۷) درخواست «مساعدت قضایی» کرده بود که پاسخی به آن داده نشد.

وکلاي نوري قرار بوده به دادگاه اطلاع دهند که آیا آن‌ها برای شهادت ویدیویی در این دادگاه حاضر می‌شوند یا نه. پیش‌تر وکلای حمید نوری گفته بودند که با مقامات سفارت جلسه دارند. از این نشست جزئیاتی منتشر نشده است. اما رسانه‌های ایران به نقل مجید نوری، فرزند حمید نوری، نوشته‌اند که «پس از درخواست و اصرار وکلای حمید نوری، دادگاه سوئد پذیرفت که شهود حمید نوری در دادگاه شهادت دهند اما دادستان تهدید کرد اگر شهود حمید نوری بخواهند در دادگاه حاضر شوند ممکن است دستگیر شوند.» دادستان پرونده در جلسه روز گذشته بنابر روال حقوقی اعلام کرد شاهدان ممکن است در زمره مظنونان پرونده قرار بگیرند.



از راست به چپ: محمد مقیسه، مصطفی پورمحمدی، سیروس شیخ‌پور

### چرا حضور محمد مقیسه اهمیت داشت؟

نام محمد مقیسه با نام مستعار ناصران مسئول زندان گوهردشت بارها در دادگاه تکرار شده است. بنابر روایت زندانیان سیاسی و شاهدان دادگاه حمید نوری محمد مقیسه، با نام مستعار «ناصریان» اداره زندان گوهردشت را در زمان اعدام‌های سال ۶۷ برعهده داشته است.

محمد مقیسه در سال‌های گذشته ریاست شعبه ۲۸ دادگاه عمومی و انقلاب تهران را برعهده داشت، با این اتهام روبه‌روست که در جریان اعدام‌های ۶۷ هم، در زندان گوهردشت نقشی محوری داشته است.

دادستان‌های سوئدی کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ ذیل اتهام «نقض مجرمانه و فاحش قوانین بین‌المللی» معادل جنایت جنگی بررسی کرده‌اند. و او در نهایت در ارتباط با اعدام دسته‌جمعی زندانیان سیاسی چپ و مجاهد به اعدام محکوم شد.

پس از اعلام خبر دستگیری حمید نوری، سازمان مجاهدین خلق فایلی را منتشر کرده بود که در آن صدای منتسب به محمد مقیسه و منتسب به علی رازینی قاضی دیوان عالی کشور درباره این بازداشت صحبت و به‌طور تلویحی هویت فرد بازداشت شده را تایید می‌کنند.

در این فایل ادعایی سازمان مجاهدین صدادی که منتسب به محمد مقیسه معرفی می‌شود، فرد بازداشت شده در سوئد را «مدیر دفتر وقت خود در دادگاه انقلاب» معرفی می‌کند.

دادستان‌های پرونده حمید نوری گفته‌اند او در زمان اعدام‌ها دستیار محمد مقیسه (با نام مستعار ناصران) بود. محمد مقیسه دادیاری و ریاست وقت زندان گوهردشت بود. گوهردشت زندانی است که محل جرم حمید نوری در دادگاه فعلی به شمار می‌آید.

جیم استفورد، متخصص جنایی فایل‌های صوتی، با مقایسه دیگر فایل‌های صوتی متعلق به محمد مقیسه تایید کرده که این صدا «متعلق» به آقای مقیسه است.

حمید نوری هم در جلسه‌ای در دادگاه گفت صدادی که در دادگاه پخش شد «شبی» (آقای مقیسه) بود. او سپس تصریح کرد زمانی که «شما (کنت لوئیس، یکی از وکلای شاهدان) لطف کردید نوار و تصویر زیبای این قاضی را دادید به این نتیجه رسیدم که بله صدا یکی است.»

حمید نوری، هم‌چنین در این دادگاه پذیرفت که پیش از سفر به سوئد با محمد مقیسه مشورت کرده بود. نوری اضافه کرد که محمد مقیسه درباره سفر به سوئد به او «هشدار» داده بود.

دادستانی سوئد، پیش‌تر هم از ایران خواسته بود که از محمد مقیسه با نام مستعار ناصران و تقی عادل با اسم مستعار داود لشگری در این پرونده بازجویی کند. موضوعی که از سوی ایران بی جواب مانده بود.

دیگر شاهد فراخوانده شده از سوی وکلای حمید نوری، مصطفی پورمحمدی نماینده وقت وزارت اطلاعات در سال ۱۳۶۷ است که عضو هیات متصدی آن اعدام‌ها بود و بعدها نیز با ترقی در سلسله مراتب قدرت به سمت‌های بالایی از جمله ریاست وزارت دادگستری رسید.

مصطفی پورمحمدی در سال ۱۳۹۵ در رابطه با اعدام‌ها گفته بود: «ما افتخار می‌کنیم که دستور خدا را در رابطه با منافقین اجرا کردیم.»

پورمحمدی سال‌ها قبل «حضورش» در هیات اعدام‌ها به نمایندگی از وزارت اطلاعات وقت را «تکذیب کرده بود»، اما در نوار منتشرشده آیت‌الله حسینعلی منتظری، قائم مقام وقت رهبر ایران، با هیات اعدام‌های ۶۷ او را به‌عنوان فردی از وزارت اطلاعات خطاب می‌کند.

مرداد ۱۳۹۸، پورمحمدی با صراحتی کم‌سابقه در دفاع از اعدام هزاران زندانی سیاسی درباره اعدام‌ها گفته بود که «به خاطر فضای روانی و به خاطر جهالت یک عده حالا ما بدهکاریم و باید پاسخ بدهیم؟ جنایتکارها باید پاسخ بدهند.»

مصطفی پورمحمدی با «جنگی» دانستن بستر تاریخی اعدام‌های ۱۳۶۷ گفته است: «انتظار است که من در وسط میدان جنگ از بحث‌های حقوقی و مراقبت از حقوق شهروندی و انسانی حرف بزنم؟»

«من در خاکریز و تیراندازی می‌کنم، حالا یک آدمی آمده برای بازدید از خط مقدم آن‌جا. نیروی جنگنده با من نیست. من وظیفه دارم و باید بزنم. من دارم گلوله می‌زنم. حالا این گلوله آن وسط به یک روستا هم می‌خورد، دشمن ایستاده آن طرف، حالا شما می‌پرسید چرا در روستا گلوله انداختید؟»

## دهه شصت، دهه وحشت و کشتار و جنگ

دهه شصت در ایران، دهه رعب و وحشت و کشتار، از یک‌سو تعقیب و تهدید و زندان، شکنجه و اعدام‌ها در زندان‌ها و خیابان‌ها توسطه دیوانه آدم‌کشی به‌نام آیت‌الله خلخالی نه تنها برای مخالفان سیاسی، بلکه برای اکثریت خانواده‌های ایرانی بود؛ و از سوی دیگر، جنگ ویران‌گر جریان داشت که زیست و زندگی مردم ایران را دگرگون ساخت و از لحاظ اجتماعی و اقتصادی دهه‌ها عقب برد.



سال ۱۳۵۷، اوج وحشی‌گری جمهوری اسلامی و در راس همه خمینی بود. در این سال، با صدور فرمان روح‌الله خمینی تحت عنوان فتوا، چندین هزار نفر از زندانیان سیاسی و عقیدتی در زندان‌های جمهوری اسلامی مخفیانه اعدام و در گورهای جمعی دفن شدند. ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور کنونی، یکی از دست‌اندرکاران این اعدام‌ها در قالب هیات رسیدگی به وضعیت زندانیان بود که با عنوان «هیات مرگ» شناخته می‌شود.

رئیس‌ی پس از اعلام پیروزی او در انتخابات نمایشی ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰، پیرشمانه و وقیحانه، ادعا کرد از ابتدای مسئولیتش در دستگاه قضایی «مدافع حقوق بشر» بوده و «باید مورد تقدیر و تشویق» قرار بگیرد. در سال‌های دهه ۶۰ در ایران، هم‌زمان با دوران جنگ و سرکوب مخالفان در جمهوری اسلامی، هزاران زندانی در ایران اعدام شدند.

به‌دلیل خودداری جمهوری اسلامی از آرایه آمار و تلاش برای سرپوش گذاشتن بر این کشتارها، امکان آرایه آمار کاملاً دقیق از اعدام‌ها وجود ندارد.

اوج اعدام‌ها در تابستان سال ۱۳۶۷ اتفاق افتاده است؛ با پایان جنگ ایران و عراق، در نبود رسانه‌های آزاد، آیت‌الله خمینی با صدور فتوایی به مقامات حکومتی دستور داد تا «با خشم و کینه انقلابی خود» تکلیف زندانیان سیاسی را مشخص کنند. مدافعان حقوق بشر می‌گویند که هزاران زندانی محروم از حقوق انسانی در زندان‌های ایران اعدام شدند. در آن سال گروهی از زندانیان که دوران محکومیت‌شان را سپری می‌کردند و حتی برخی‌ها نیز منتظر آزادی‌شان بودند طی سه ماه به جوخه‌های اعدام سپرده شدند.

آیت‌الله حسینعلی منتظری که آن زمان قائم مقام رهبری در ایران بود، از این اقدام به‌عنوان «بزرگ‌ترین جنایتی که جمهوری اسلامی مرتکب شده» و «در تاریخ از آن یاد می‌شود» نام برده است.

آیت‌الله خمینی در فتوای معروف خود که در آن حکم به اعدام زندانیان «سر موضع» داده است، می‌گوید: «کسانی که در زندان‌های سراسر کشور بر سر موضع نفاق خود پافشاری می‌کنند، محکوم به اعدام می‌باشند.» بر اساس نامه آیت‌الله خمینی، تشخیص این مسئله در تهران با آقایان نیری (حاکم شرع)، اشراقی (دادستان تهران) و نماینده وزارت اطلاعات است. در نامه آیت‌الله خمینی «رحم بر محاربان ساده‌اندیشی» خوانده شده و خواسته شده که با «خشم و کینه انقلابی» با زندانیان برخورد کنند.

آیت‌الله خمینی از «آقایانی که تشخیص موضوع به‌عهد آنان» بوده، خواست که «وسوسه و شک و تردید نکنند» و «سعی کنند اشدا علی الکفار» باشند.

به گزارش سازمان‌های مدافع حقوق بشر از سال ۱۳۶۰ تا ۶۴ بر اساس آمارهای موجود در زندان‌های مختلف ایران و شهادت خانواده‌ها «حدود ۱۱ هزار زندانی اعدام یا زیر شکنجه جان باختند.»

در کتاب خاطرات آیت‌الله منتظری، که آن زمان قائم مقام رهبری بود، آمده که بعد از صدور فرمان آیت‌الله خمینی در تابستان ۱۳۶۷، «بین ۲۸۰۰ تا ۳۸۰۰ نفر از زندانیان اعدام شدند»، هرچند برخی از نهادهای حقوق بشری، تعداد اعدام‌شدگان را خیلی بیشتر از این رقم می‌دانند. چرا که گفته می‌شود اطلاعات منتظری محدود به اعدام‌های تهران بود و از شهرستان‌ها چندان خبر نداشت.

سازمان عفو بین‌الملل نیز در گزارشی به مناسبت سی‌امین سالگرد اعدام‌های تابستان ۶۷، به اسامی تعدادی از اعضای «هیات مرگ» اشاره کرده است.

اعضای کمیته‌ای که از سوی آیت‌الله خمینی به زندان‌ها فرستاده شدند، در میان زندانیان و خانواده آن‌ها به «هیات مرگ» معروف هستند.

اعضای شناخته شده هیات مرگ بر اساس گزارش عفو بین‌الملل: «ابراهیم رئیسی، معاون دادستان کل تهران در سال ۱۳۶۷، از اعضای اصلی «هیات مرگ» بود. حسینعلی نیری، به عنوان حاکم شرع، عضو کمیته تصمیم‌گیری در باره وضعیت زندانیان سیاسی تهران بود و علیرضا آوایی، وزیر دادگستری سابق، که در سال ۱۳۶۷ در دزفول به‌عنوان دادستان مامور رسیدگی به پرونده زندانیان حضور داشت. مصطفی پورمحمدی، که در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ وزیر دادگستری بوده، نماینده وزارت اطلاعات در هیات ویژه در تهران بوده است. محمدحسین احمدی، که در هیات ویژه شهرهای استان خوزستان حضور داشت.»

اکثریت مقامات و رهبران جمهوری اسلامی هرگاه که ناگزیر از پرداختن به موضوع اعدام زندانیان سیاسی دهه ۶۰ شدند، از این اقدام در آن دوره دفاع کردند و آن را ضروری دانستند.

ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور ایران، در اولین کنفرانس خبری خود با در پاسخ پرسشی درباره اتهام «جنایت علیه بشریت» علیه او به دلیل نقش او در اعدام‌های تابستان ۱۳۶۷، بی‌شرمانه گفته بود که در نقش دادستان از «حقوق همه شهروندان ایرانی» دفاع کرده بود و بابت اقداماتش در آن پرونده به‌عنوان قاضی باید «مورد تشویق» قرار گیرد.

این سؤال از سوی خبرنگار شبکه الجزیره و به زبان انگلیسی پرسیده شده بود اما مترجم حاضر در کنفرانس خبری بخش مربوط به «اتهام جنایت علیه بشریت» را کاملاً به فارسی ترجمه نکرد و عبارت «اعدام‌های سال ۶۷-۱۹۸۸ خورشیدی» را هم به «برخی از اعدام‌ها» تغییر داد.

علی رازی‌بی که در دهه ۶۰ دادستان انقلاب بود در یک گفت‌وگو با خبرنگاری تسنیم گفته بود: «رسیدگی به پرونده گروهک‌ها با دقت انجام می‌شد. در رسیدگی به پرونده‌ها دادستان، دادیار، مجریان احکام حضور داشتند و این که ادعا می‌کنند این کارها مخفیانه انجام شده قطعاً اشتباه است. پرونده‌هایی بوده که ما رسیدگی کردیم آن‌هایی که جرمشان کم بوده حبس دادیم و آن‌هایی که جرمشان در حد اعدام بوده حکم اعدام داده‌ایم که حکمی شرعی است. وقتی حکم شرعی بر اساس اعمالش تعیین می‌شود دیگر نمی‌شود که در این حکم چانه‌زنی کرد.»

اما او از بابت اعدام‌های تابستان ۶۷ سلب مسئولیت کرده و گفت: «دادگاه‌ها عادلانه و قانونی بود، آقایان نیری، رئیسی، ری شهری، اشراقی و پورمحمدی مسئولان این موضوع بودند و ما در متن قضیه نبودیم.»

محمدحسین احمدی شاهرودی، حاکم شرع خوزستان در دهه ۶۰ هم با حمایت از این اعدام‌ها به خبرنگاری تسنیم گفته است: «کسانی که پافشاری سر موضع داشتند حکم‌شان اعدام بود و ما هم حکم را اجرا کردیم. البته ما حکم ندادیم بلکه تشخیص موضوع و مصداق کردیم. در واقع حکم اصلی از سمت امام بود و از اجرای حکم امام قطعاً دفاع می‌کنیم.»

آیت‌الله منتظری، قائم مقام او در تیرماه ۱۳۶۷ در تهران، مسئله اعدام‌های تابستان ۱۳۶۷ را سال‌ها زندانیان و خانواده‌های آن‌ها مطرح می‌کردند، اما انتشار فایل صوتی آیت‌الله منتظری سبب شد که سکوت مسئولان در این باره شکسته شود. این فایل صوتی ۴۰ دقیقه‌ای که چند سال پس از درگذشت آیت‌الله منتظری منتشر شد یکی از مهم‌ترین اسنادی است که تاکنون درباره اعدام‌های دهه شصت در ایران منتشر شده است.

سه‌شنبه ۱۹ مرداد ۱۳۹۵، سایت آیت‌الله منتظری، هفت سال پس از درگذشت او، فایل صوتی اظهارات این مرجع تقلید در مرداد ماه سال ۱۳۶۷ را منتشر کرد که در آن، به تندی از اعدام جمعی اعضای سازمان مجاهدین خلق انتقاد کرده بود.

آیت‌الله منتظری پس از اطلاع یافتن از اعدام گسترده اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران در زندان‌ها به حکم آیت‌الله خمینی، دو نامه اعتراضی به او نوشت و سپس در دیداری به تاریخ ۲۴ مرداد ۱۳۶۷ با حضور حسینعلی نیری (حاکم شرع وقت)، مرتضی اشراقی (دادستان وقت)، ابراهیم رئیسی (معاون وقت دادستان) و مصطفی پورمحمدی (نماینده وقت وزارت اطلاعات در زندان اوین) به آن‌ها در مورد قضاوت تاریخ در مورد این اعدام‌ها و خلاف شرع بودن عملکرد آن‌ها هشدار داد. آیت‌الله منتظری به آن‌ها هشدار می‌دهد: «بزرگ‌ترین جنایتی که در جمهوری اسلامی شده و تاریخ ما را محکوم می‌کند به دست شما انجام شده و نام شما را در آینده جزو جنایتکاران در تاریخ می‌نویسند.»

او علت مخالفت خود با این اعدام‌ها را نگرانی از «آینده اسلام و انقلاب» معرفی می‌کند و می‌گوید: «می‌خواهم ۵۰ سال دیگر برای آقای خمینی قضاوت نکنند و بگویند آقای خمینی یک چهره خونریز، سفاک و فتاک بود.»

انتقادات منتظری به اعدام‌ها، سرانجام باعث شد تا بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، در ۶ فروردین ۱۳۶۸ وی را از سمت قائم مقامی رهبری، که از تیرماه ۱۳۶۴ و بنا بر تصمیم مجلس خبرگان عهده‌دار آن بود، عزل کند.

سال‌ها پس از کشتار هزاران زندانی سیاسی در تابستان ۱۳۶۷، برای بسیاری از بازماندگان هم‌چنان یک پرسش پا برجاست: «بر سر اجساد عزیزانشان چه آمده است؟»

فعالان حقوق بشر می‌گویند که بسیاری از این اعدام‌شدگان در گورهای دسته جمعی در شهرهای مختلف ایران مانند تهران، اهواز و رشت و... به خاک سپرده شدند.

خانواده اعدامیان در جست‌وجوی پاسخی برای این سؤال، گورهای دسته‌جمعی خاوران را کشف کردند. بنابر روایت شاهدان و خانواده‌ها، حکومت ایران تا پیش از اعدام‌های تابستان ۱۳۶۷، اجساد مخالفان سیاسی خود را در این محل دفن می‌کرد و به آن «لعنت آباد» می‌گفت. هرچند سنگ قبرها یا هر گونه علامت و نام این کشته‌شدگان نیز به‌طور مستمر در دهه‌های گذشته تخریب شده است.

اما بخش دیگر خاوران که هیچ نشانه یا قبری در آن وجود ندارد، گورهای دسته‌جمعی زندانیان سیاسی است که در مرداد و شهریور سال ۱۳۶۷ اعدام شدند.

«خانواده‌ها و مادران خاوران»، زنانی هستند که اعضای خانواده‌شان عمدتاً از طیف‌های مختلف چپ بودند و در دهه شصت اعدام شدند.

در سال‌های گذشته، خانواده‌ها و مادران خاوران، دو بار در سال، جمعه اول شهریور و جمعه آخر هر سال، به خاوران می‌روند و بارها برای روشن شدن حقیقت اعتراض و نامه‌هایی سرگشاده منتشر کرده‌اند.

### حمید نوری کیست و چرا در سوئد محاکمه شد؟

حمید نوری ۶۰ ساله، دادیار سابق قوه قضائیه، زمانی که برای دیدار با اقوامش به کشور سوئد سفر کرده بود، شنبه ۹ نوامبر ۲۰۱۹-۱۸ آبان ۱۳۹۸ در فرودگاه بین‌المللی آرلاندای استکهلم با حکم دادسرای این شهر به صورت موقت بازداشت شد. او از آن زمان تا کنون در بازداشت موقت مانده است. دادستانی سوئد ۲۷ ژوئیه ۲۰۲۱-۵ مرداد ۱۴۰۰، در اطلاعیه‌ای تحت عنوان «پیگرد جنایات جنگی در ایران» خبر از تحویل رسمی کیفرخواست حمید نوری به دادگاه داد. بر اساس این کیفرخواست حمید نوری با دو اتهام اصلی روبه‌روست: جنایت جنگی (نقض حقوق عمومی بین‌الملل، از نوع سنگین) و قتل. هر دوی این اتهام‌ها به دلیل نقش مستقیم در کشتار بیش از ۱۰۰ تن از مخالفان و زندانیان سیاسی در سال‌های پایانی جنگ ایران و عراق (در دهه ۶۰ و مشخصاً سال ۱۳۶۷) علیه نوری مطرح شده است.

دادگاه سوئد بر اساس اصل صلاحیت قضایی جهانی تشکیل شد، و حکم جلب حمید نوری را که از ایران به استکهلم سفر کرده بود، صادر و او را محاکمه می‌کند.

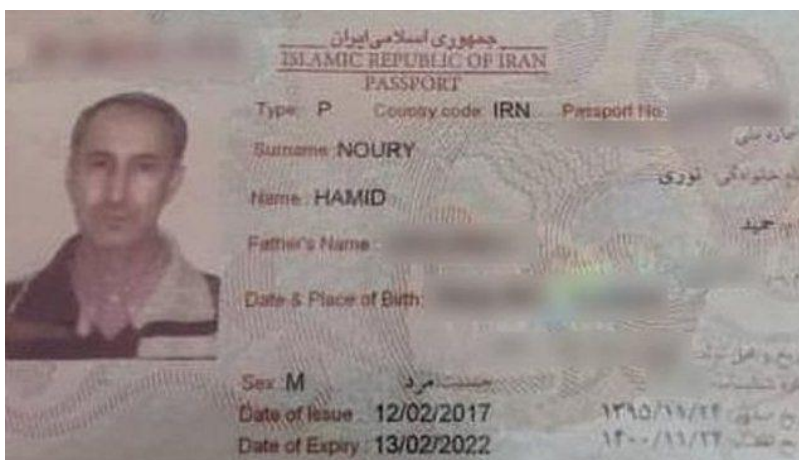
اصل صلاحیت قضایی جهانی، به دادگاه‌های داخلی کشورها اجازه می‌دهد بدون توجه به این که جرم در چه کشوری اتفاق افتاده و بدون در نظر گرفتن ملیت متهم، به اتهامی رسیدگی کند.

این نخستین بار است که یک عنصر جمهوری اسلامی ایران به اتهام شرکت در کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷، در خارج از ایران و در یک کشور اروپایی بازداشت و محاکمه می‌شود.

اگنس کالامارد، گزارشگر ویژه اعدام‌های فراقانونی در سازمان ملل متحد درباره این پرونده گفته است «این اولین گام مهم به سوی عدالت درباره اعدام‌های سال ۱۳۶۷ است.»

حمید نوری که در ابتدا به‌عنوان پاسدار در سپاه پاسداران فعال بوده است، در سال ۱۳۶۱ درخواست کار در دادستانی می‌دهد. او متهم است که در زمان کشتارهای تابستان سال ۱۳۶۷ دستیار محمد مقیسه (ناصریان) در زندان گوهردشت بوده است.

نام او به اندازه دیگر افراد مسئول در اعدام‌های سال ۶۷ مطرح نبوده است اما ردپای او را در چند اثر درباره اعدام‌های تابستان سال ۱۳۶۷ می‌توان یافت.



تصویر گذرنامه حمید نوری

گفته می‌شود حمید نوری نیز در سمت دادیار به کمک آقای ناصریان می‌رفته و در واقع دستیار او بوده است. بنابر اسناد و روایات زندانیان و سازمان‌های سیاسی، حمید نوری (عباسی)، از جمله نیروهای سپاه پاسداران بود که بعد در دستگاه قضایی به سمت دادیاری رسید.

سازمان مجاهدین خلق در سال ۱۳۷۹، در کتاب «قهرمانان در زنجیر»، در بخش «ضمیمه افراد مسئول» نوشته بود «حمید عباسی از پاسداران قدیمی زندان اوین بود که به سبب شدت عمل‌هایش در برابر زندانیان به سمت دادیاری ارتقا یافت و بعدها از مهره‌های اصلی اعدام زندانیان در زندان گوهردشت شد.»

در همین کتاب، به نقل از یکی از اعضای سازمان مجاهدین که نام او ذکر نشده، نوشته علاوه بر اعضای ثابت «هیات‌های مرگ»، مسئولان هر زندان هم «به صورت فعال» در کشتارها شرکت داشته‌اند. داوود لشکری و حمید عباسی از جمله افرادی نام برده شده‌اند که در زندان گوهردشت فعال بودند.

در میان زندانیان و خانواده آن‌ها، اعضای کمیته‌ای که از سوی آیت‌الله خمینی به زندان‌ها فرستاده شدند، به «هیات مرگ» معروف‌اند.

می‌گویند فرد بازداشت شده حالا وکیل است؛ درست شبیه مرتضی اشراقی دادستان وقت تهران در زمان اعدام‌های سال ۶۷ که اکنون به شغل وکالت مشغول شد

مهدی اصلانی، از جمله کسانی که خود در زندان گوهردشت در برابر هیات مرگ ظاهر شده بود، درباره نقش حمید نوری می‌گوید: «در تاریخ ششم شهریور ۱۳۶۷ در زندان گوهردشت که دومین روز چپ‌کشی در زندان گوهردشت بود، آقای حمید عباسی با نام شناسنامه‌ای نوری، در اتاق ما را باز کرد و گفت ۱۰ نفر اول به نزد هیات و نه حتی دادگاه. چون دادگاه به زندانی حکم‌دار گارد می‌داد که چرا باید دوباره به دادگاه ببرند. نام هیات را برای بار اول من آن‌جا شنیدم. من و بقیه دوستانم تصویری نداشتیم که این چگونه هیاتی است. ۱۰ نفر را خود حمید عباسی جدا کرد. یکی از آن ۱۰ نفر من بودم. یعنی لیست هم وجود نداشت، فقط گفت تو، تو، تو و ما را به اتاق هیات مرگ برد.»

مهدی اصلانی، ادامه می‌دهد: «حمید نوری به یک معنا کمک دادیار بود و عامل اجرایی اعدام‌ها. به واقع می‌توان گفت او گمارده ابراهیم رئیسی بود در آن کشتار.»

به گفته مهدی اصلانی، «وقتی هم زنده ماندگان را از زندان گوهردشت به اوین آوردند، باز هم او آمد و از شماری از زندانی‌ها مجدداً بازجویی کرد، از جمله من.»

اعدام زندانیان چپ و کمونیست، مدتی پس از اعدام زندانیان مجاهد خلق آغاز شد. مدارک نهادهای حقوق بشری حاکی از آن است که در آن دوران مقامات دادستانی و قضایی در پرونده‌سازی علیه متهمان سیاسی و اعدام آن‌ها نقش ایفا می‌کردند. گمان می‌رود در میانه دهه ۱۳۶۰، پس از انتقال زندانیان سیاسی از زندان قزل حصار به زندان گوهردشت، این زندان بیش‌ترین تعداد زندانیان سیاسی مرد را در خود جا داده بود.

در زندان اوین تهران، احکام سنگین حضور داشتند و تعداد اندکی هم در تابستان ۱۳۶۷ از اعدام‌ها جان به در بردند.

بیش‌ترین گزارش‌های به جا مانده از بند مردان در کشتار سال ۱۳۶۷ نیز مربوط به زندان گوهردشت است، در دیگر زندان آن زمان استان تهران. گمان می‌رود در دوران اعدام‌ها، زندان گوهردشت از جمله زندان‌هایی بود که شمار زیادی از زندانیان سیاسی مرد در آن‌جا محبوس بودند.

در خاطرات زندانیان گزارش‌های مفصلی از زندان گوهردشت بیرون آمده است، گزارش‌هایی که حکایت از خشونت شدید زندانبانان علیه زندانیان «سرموضعی» و مقاوم دارد؛ گزارش‌هایی که حالا می‌تواند نتیجه دادگاه را رقم بزند.

شاکیان و شاهدان پرونده اسناد کافی به دادگاه ارائه دادند تا حمید نوری نخستین مقام جمهوری اسلامی، به اتهام شرکت در کشتار تابستان ۶۷ محاکمه می‌شود؛ آن‌چه برای دادخواهان اعدام‌های سال ۱۳۶۷ گامی بلند به سوی تحقق عدالت است.

این پرونده طبق اصل صلاحیت قضایی جهانی در سوئد گشوده شده است. اصل صلاحیت قضایی جهانی به دادگاه‌های داخلی کشورها اجازه می‌دهد که بدون توجه به این‌که جرم در چه کشوری رخ داده و بدون در نظر گرفتن ملیت مظنون و قربانی، مظنون را در دادگاه‌های داخلی تحت پیگرد قرار بدهند.

تاکنون پنج پرونده مشابه پرونده نوری که شاکیان متعددی داشته‌اند در دادگاه‌های سوئد مورد پیگرد قرار گرفته‌اند. متهمان از کشورهای بالکان و روماندا بوده‌اند. در یک مورد متهم حکم ۸ سال زندان گرفته است و از چهار موردی که متهمان حکم حبس ابد گرفته‌اند یک مورد در دادگاه فرجام لغو شده است.

### دادگاه مردمی ایران تریبونال

دادگاه مردمی ایران تریبونال، به این نتیجه رسید که اعدام‌های دسته‌جمعی دهه ۱۳۶۰، تحت قانون بین‌المللی، مشمول «جنایت علیه بشریت» بوده و جمهوری اسلامی ایران باید به خاطر آن محاکمه شود

از سال ۲۰۰۷ به همت مادران خاوران و بازماندگان اعدامی‌های دهه شصت و فعالان حقوق بشر، کارزار «ایران تریبونال» در لاهه هلند کارش را شروع کرد و بعد از بررسی اعدام‌ها و سرکوب‌های بعد از انقلاب در ایران، سرانجام اعلام کرد که حکومت جمهوری اسلامی به «جنایت علیه بشریت» دست زده است.

در دو جلسه این دادگاه مردمی که در ماه‌های ژوئن و اکتبر سال ۲۰۱۲ در لندن و لاهه تشکیل شد، و گواهی حدود ۱۰۰ شاهد عینی از طیف گسترده‌ای از گروه‌های سیاسی، قومی و مذهبی را بررسی کرد. دادگاه در آخر به این نتیجه رسید که اعدام‌های دسته‌جمعی دهه ۱۳۶۰، تحت قانون بین‌المللی، مشمول «جنایت علیه بشریت» بوده و جمهوری اسلامی ایران باید به‌خاطر آن محاکمه شود. دادگاهی که با عنوان ایران تریبونال شناخته می‌شود، اولین حرکت حقوقی برای رسیدگی به پرونده کشتار زندانیان سیاسی در جمهوری اسلامی محسوب می‌شود.

این دادگاه، نه از سوی مراجع رسمی و حقوقی موجود، بلکه به ابتکار تعدادی از خانواده‌های زندانیان اعدام شده و زندانیان سیاسی پیشین و با الگوپذیری از دادگاه راسل شکل گرفته است.

دادگاه راسل در دهه ۶۰ میلادی از سوی شماری از روشنفکران و فعالان سیاسی عمدتاً چپ‌گرای اروپا در دانمارک و سوئد برای دادگاهی کردن آمریکا به اتهام جنایت جنگی در ویتنام برگزار شد. در آن دادگاه که بعدها برای برخی موارد دیگر نیز برگزار شد، شهود ویتنامی و قربانیان جنگ ویتنام حضور نداشتند و این روشنفکران و فعالان ضد جنگ مانند ژان پل سارتر و برتراند راسل بودند که این دادگاه را سازمان دادند.

اما ایران تریبونال با حضور و با ابتکار خانواده‌ها و زندانیان سیاسی به‌عنوان شاهدان اعدام‌ها برپا شده است. برگزارکنندگان ایران تریبونال، به‌همین دلیل، این دادگاه را دادگاهی مردمی نامیدند که با وجود نبود ضمانت برای اجرای احکامش، می‌تواند نقشی عمده در ثبت حوادث، آگاهی‌رسانی به افکار عمومی و زمینه‌سازی برای پیگیری‌های حقوقی در آینده داشته باشد.

جان کریگر، حقوقدان بین‌المللی و رییس هیات قضات دادگاه ایران تریبونال، در آغاز کار دادگاه گفت: «هیات قضات کاملاً مستقل است و اعضای آن به صورت فردی و نه به‌صورت گروهی بر اساس مدارک و مستندات تصمیم خواهند گرفت. این هیئت به هیچ گروه اجتماعی، سیاسی، ملی، ایدئولوژیک و ... وابستگی ندارد و ما امیدواریم با صداقت و شرافت حرفه‌ای خود به این موضوع رسیدگی کنیم.»

جان کریگر، هم‌چنین در یک نشست خبری در باره تاثیر این دادگاه گفت: «هدف روشن کردن حقیقت است و آشکار کردن آنچه اتفاق افتاده. در آفریقای جنوبی، هنگامی که کمیسیون حقیقت و آشتی تشکیل شد، بسیاری از سفیدپوستان گفتند که از جنایات رژیم علیه سیاه‌پوستان بی‌اطلاع بوده‌اند. حداقل تاثیر ایران تریبونال این است که دیگر کسی نمی‌تواند بگوید از اعدام گسترده زندانیان سیاسی در جمهوری اسلامی اطلاع ندارد.»

جان کوپر، حقوقدان بین‌المللی و رییس کمیسیون راه‌یاب ایران تریبونال نیز در این نشست خبری، با تاکید بر غیرسیاسی بودن این دادگاه گفت: «هدف من این بوده که استقلال این دادگاه را از هر جریان سیاسی تضمین کنیم و این، شرط اساسی همکاری من و همکارانم با این کارزار بوده است.»

در نشست‌های پنج روزه مرحله اول دادگاه رسیدگی به اعدام‌های دهه شصت که اوایل تیرماه امسال در محل دفتر مرکزی سازمان عفو بین‌الملل در لندن برگزار شد، ۸۰ تن از شاهدان و بستگان اعدام‌شدگان به رویدادها پرداختند و مستندات خود را در اختیار کمیسیون حقیقت‌یاب قرار دادند.

ایران تریبونال، با ارایه گزارش کمیسیون حقیقت‌یاب به جمهوری اسلامی ایران، از مقامات جمهوری اسلامی ایران برای شرکت در این دادگاه دعوت کرده بود، اما جمهوری اسلامی به این دعوت پاسخی نداده است.

به گفته مسئولان ایران تریبونال، این کارزار در تاریخ ۱۲ سپتامبر سال ۲۰۱۲ نامه‌ای همراه با سه نسخه از گزارش کمیسیون حقیقت‌یاب به سفارت جمهوری اسلامی ایران در لاهه ارسال کرد و از این کشور دعوت کرد که در این رسیدگی شرکت کند، اما جمهوری اسلامی حتی وصول این نامه را اعلام نکرد و به‌طور کامل در این مورد سکوت کرد.

دادگاه ایران تریبونال در تالار آکادمی حقوق بین‌الملل کاخ صلح در شهر لاهه برگزار شد. این کاخ از اوقاف بنیاد کارنگی و مقر چند نهاد حقوقی بین‌المللی از جمله دادگاه دایمی داوری بین‌المللی، دیوان بین‌المللی دادگستری و دادگاه جنایی بین‌المللی است. مسئولان ایران تریبونال، اعلام کردند که هیچ ارتباط سازمانی بین دادگاه آنان با این نهادهای بین‌المللی وجود ندارد و محل برگزاری دادگاه به‌دلایل تاریخی انتخاب شده است.



به گفته آنان: «در این محل، دادگاه‌های بین‌المللی برگزار می‌شود و ما خود را هم از نظر صلاحیت و هم از نظر بین‌المللی بودن، هم‌ردیف این دادگاه‌ها می‌دانیم؛ زیرا جرایم علیه بشریت، جرایم بین‌المللی هستند و نه محلی. به همین دلیل، ما فکر می‌کنیم که این محل، مناسب‌ترین مکان برای برگزاری ایران تریبونال است.»

بخش نخست دادگاه مردمی ایران تریبونال که از ۱۸ تا ۲۵ ژوئن سال ۲۰۱۲ در مقر سازمان عفو بین‌الملل در لندن برگزار شد و دور دوم در روزهای ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ اکتبر ۲۰۱۲ در لاهه.

مرحله دوم محاکمه جمهوری اسلامی ایران، که از روز پنج‌شنبه ۲۵ اکتبر ۲۰۱۲ برابر با ۴ آبان ۱۳۹۱ آغاز شده بود، روز ۲۷ اکتبر ساعت ۹ صبح، کار خود را در سالن صلح، ساختمان دادگاه لاهه آغاز کرد و رای خود را علیه جمهوری اسلامی ایران صادر کرد.

«ما اعلام می‌کنیم که:

-دولت جمهوری اسلامی ایران، مسئول جرایم فاحش خود بر علیه شهروندان است و دولت ایران مرتکب جنایت بر علیه بشریت شده است.»

اما «بیانه کارزار مردمی ایران تریبونال در رابطه با حکم دادگاه» در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۱ برابر با ۱۰ فوریه ۲۰۱۳، منتشر شد.

در بخشی از این بیانیه آمده است: «اکنون که بیش از سه ماه از تشکیل دادگاه لاهه می‌گذرد، قضات ایران تریبونال، طبق قوانین و عرف‌های حقوقی بین‌المللی و با توسعه جرم جنایت علیه بشریت علیه جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک حکومت، جمهوری اسلامی را در تمامیت آن به ارتکاب جنایت علیه بشریت محکوم نمود.»

در پایان این بیانیه، چنین تأکید شده است: «با امید به این که فعالان جنبش دادخواهی، در عرصه داخلی و بین‌المللی، با در دست داشتن این حکم، قدم‌های بعدی را در جهت اهداف عدالت‌خواهانه خود بردارند.»



نمایشگاه عکس اعدام‌شدگان در سال ۶۷ مقابل دادگاه حمید نوری توسط فعالین ایران تریبونال - پنج‌شنبه ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۲

### ماشین ترور حکومتی و تغییر الگوهای حذف فیزیکی

الگوهای ترور در ده سال اخیر تغییر یافته است. اگر در دو دهه اول اپوزیسیون نسل اول انقلاب هدف قرار می‌گرفتند، امروز نسل بعد از انقلاب در داخل حاکمیت که از حکومت بریده و به افشاکاری می‌پردازند، مورد هدف قرار می‌گیرند از جمله: ترور مسعود مولوی، ربایش و اعدام روح‌الله زم. اکنون الگوی اجرایی در این ترورها دیده می‌شود: اول ترور توسط موتورسواران و استخدام قاتلان حرفه‌ای با زدن گلوله به سر و گردن (غلام کشاورز و شهریار شفیق، محمد رضا کلاهی) و دوم ازپا درآوردن با ضربات کارد و بدون سرو صدا (عبدالرحمن برومند، شاپور بختیار و فریدون فرخزاد. یا ترور ۴ ایرانی در رستوران میکونوس در سال ۱۹۹۲ در برلین.

اولین ترور جمهوری اسلامی ایران در خارج از مرزهای حاکمیتش، در دسامبر ۱۹۷۹، به دست بسیجی به نام سید عبدالله برقی در پاریس صورت گرفت. هدف شهریار شفیق، از افسران نیروی دریایی و پسر اشرف پهلوی که در خیابان توسط برقی که بر موتور سوار بود با دو گلوله بر گردن و سرش از پای در آمد. از این تاریخ است که پاریس قلب ترورهای حکومت اسلامی است.. طنز تاریخ این است که پاریس هم میزبان خمینی بود هم جایگاه ترورهای رهبر انقلاب. در سال ۱۹۸۴ غلامعلی اویسی، ۶۶ ساله فرمانده نیروی زمینی به همراه برادرش غلامحسین در ناحیه ۱۶ پاریس با اصابت چند گلوله به سرشان کشته شدند. خلخالی برای او حکم اعدام صادر کرده بود، قاتل توسط خودروپی که منتظرش بود متواری شد. پس از این ترورها به نظر می‌رسد چرخشی در نوع ترورها انجام گرفت.

تا این دروه، ترورها با گلوله و در خیابان‌های پاریس انجام می‌شد. از این پس برخی از ترورها با ضربات کارد و چاقو صورت گرفت. در آوریل ۱۹۹۱ عبدالرحمن برومند، ۶۴ ساله رئیس هیات اجرایی نهضت مقاومت ملی ایران در مقابل آسانسور منزلش در پاریس با ضربات کارد از پا درآمد. شاپور بختیار، ۷۷ ساله، آخرین نخست وزیر حکومت پهلوی، فعال در سازمان نهضت مقاومت ملی دو بار مورد سوء قصد قرار گرفت و ترور ناکام ماند. انیس نقاش، شهروند لبنانی و مجری قتل نافرجام دوم بختیار در دادگاه اذعان کرد که این ترورها به دستور مقامات جمهوری اسلامی وبا استخدام تروریست های حرفه ای طراحی شده بود. حکم اعدام بختیار توسط صادق خلخالی صادر و خمینی هم آنرا تایید کرد. حکومت بشدت از وجود کودتایی که قدرت را از دست دهد در هراس بود. انیس نقاش متهم دو سوء قصد نافرجام بختیار پس از یک دهه از سوی فرانسوا میتران رئیس جمهور وقت فرانسه آزاد و در بازگشت به ایران مورد استقبال حکومتیان قرار گرفت! حکومت ترور، بختیار را به عنوان سرجنش می پنداشت. محافظان بختیار بشدت افزایش یافت. ۱۱ سال بعد این بار حکومت ترور در سال ۱۹۹۱ با حيله و نفوذ وارد شد. فریدون بویر احمدی که پدرش در دوران مصدق اعدام شده بود و بختیار او را مثل پسرش دوست داشت، یک سالی بود به بختیار نزدیک شده بود و به آن خانه با تدابیر شدید امنیتی رفت و آمد داشت. دوستان بختیار از جمله داود عبداللہی از اعضای نهضت در مورد امکان همکاری بویر احمدی به دکتر بختیار هشدار داده بودند. روز حادثه بویر احمدی به بختیار می‌گوید دو نفر از ایران آمده‌اند و می‌خواهند پالایشگاه نفت شیراز را منفجر کنند و می‌خواهند شما را تنها ملاقات کنند. بویر احمدی دو نفر دیگر به نام محمد آزادی و وکیلی راد را با خود به خانه بختیار می‌برد. بختیار به همراه منشی خود سروش کتیبه به طرز فجیعی ابتدا خفه و بعد با چاقوی آشپزخانه با ضربات چاقو بر گردن و سینه به قتل می‌رسند. تنها کسی که دستگیر شد علی وکیلی راد بود که در بازجویی‌های اولیه گفت دولت جمهوری اسلامی ما را فرستاده‌اند. در نبود متهمان وکیلی راد ادعا کرد که فریدون بویر احمدی سروش کتیبه را کشته و محمد آزادی دکتر شاپور بختیار را کشته است. هر دو نفر پس از قتل از فرانسه گریختند. از فریدون بویر احمدی حتی در ایران، هیچ اثری پیدا نشد. ناظران معتقدند او در ایران سر به نیست شده است. وکیلی راد، ۱۹ سال بعد مورد عفو قرار گرفت و با گل مورد استقبال حکومتیان قرار گرفت. شهادت‌های داوود عبداللہی در دادگاه تعیین‌کننده بود. در انتقام‌گیری حکومت پس از چند ماه از رای دادگاه در سال ۱۹۹۵ هاشم، پسر ۲۷ ساله داود عبداللہی که در دادگاه گفته بود خانواده‌اش را به حکومت فرانسه می‌سپارد، در منزلش در پاریس با شلیک گلوله به سرش از پا درآمد. در سال ۱۹۹۰ دکتر سیروس الهی، استاد علوم سیاسی از بنیان‌گذاران «درفش کاویانی» با ۶ گلوله در پاریس به قتل رسید. رضا مظلومان ۱۹۹۶ از همان سازمان در حومه پاریس با دو گلوله ترور شد. چرا پاریس کانون ترورهای اسلامی گشت؟

علی اکبر طباطبایی، تنها ایرانی است که تروریست‌های جمهوری اسلامی او در خاک آمریکا ترور کردند. او که سخن‌گوی سفارت ایران در زمان محمدرضا پهلوی و موسس بنیاد آزادی ایران در مخالفت با حکومت بود، در سال ۱۹۸۰ در مریلند در مقابل منزلش به‌ظاهر به‌دست یک پستیچی در واقع بدست فردی که پس از مسلمان شدن نام خود را به داود صلاح‌الدین تغییر داد ترور شد. به قاتل پنج هزار دلار داده شد و بعدا به ایران گریخت. وی در فیلم مستندی اعلام کرد ترور را بر اساس حکمی از خمینی صادر شده انجام داد. در فیلم سفر قندهار به کارگردانی محسن مخملباف در نقش پزشکی انسان دوست ظاهر گشت! پس از آن، هیچ تروری از سوی حکومت در خاک آمریکا صورت نگرفت. رضا فاضلی، بازیگر منتقد حکومت که جمهوری اسلامی پسرش، بیژن فاضلی را اشتباهی به‌جای خودش با کار گذاشتن یک بمب در محل کارش در سال ۱۹۸۶ در لندن به قتل رساند.

طیف ترور حکومت، رنگارنگ و از همه گروه‌ها و سازمان‌هاست. در سال ۱۹۹۰ پروفسور دانشگاه ژنو کاظم رجوی اولین سفیر حکومت در سازمان ملل در سوئیس ترور شد. کمپین‌های حقوق بشری او باعث شد حکم برادرش مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین در زمان شاه از اعدام به حبس تغییر کند. در سال ۱۹۸۵ با تلاش‌های او اولین قطع‌نامه محکومیت نقض حقوق بشر جمهوری اسلامی در مجمع عمومی سازمان ملل بتصویب رسید. شاهد C که نام مستعار ابوالقاسم مصباحی، مقام

برجسته اطلاعاتی حکومت ترور بود و به غرب گریخته بود، در دادگاه میکونوس در مورد حذف کاظم رجوی گفت: «در ابتدای ریاست جمهوری رفسنجانی می‌خواستند ثابت کنند که قدرتمندیم و همه امکانات را در دست داریم.»

از سال ۱۹۸۷ مسئولیت اجرای این ترور، به واحد اطلاعات سپاه به ریاست پاسدار احمد وحیدی واگذار شد. در سال ۱۹۸۹ غلام کشاورز (بهمن جوادی) عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران و کومه‌له پس از ۸ سال برای دیدار مادرش به قبرس رفت. ماشین دولتی ترور در مقابل چشم مادر و برادرش، غلام را با سه گلوله بر سرش که توسط یک موتور سوار اعزامی حکومت انجام شد، به قتل رساند. تلاش مادر غلام برای گرفتن ویزای سوئد بی‌نتیجه ماند. آن‌ها مجبور شدند در حیاط خلوت جمهوری اسلامی قبرس همدیگر را ملاقات کنند.

در همان سال صدیق کمانگر عضو کمیته مرکزی کومه‌له و حزب کمونیست ایران در عراق ترور شد. باز در همان سال دکتر عبدالرحمان قاسملو، ۵۸ ساله، دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران در وین سر میز مذاکره ترور شد. مذاکره از کمیته سیاسی حزب دمکرات هم پنهان ماند. پلیس‌های اتریشی در دادگاه میکونوس سه سال بعد شهادت دادند که مذاکره تنها برای ترور قاسملو طراحی شده بود. پلیس اسلحه‌ها و صدا خفه‌کن‌ها را که در زمان شاه از اسپانیا خریداری شده بود را پیدا کرد. دکتر قاسملو و فاضل رسول در میز مذاکره غافل‌گیر شدند و عبدالله قادری آذر با مهاجمان درگیر و با چندین گلوله کشته شد. محمد جعفری صحرارودی (بعدها به یکی از فرماندهان سپاه قدس ارتقا مقام یافت) و غفوز درجزی (بعدها به مدیر تیم سایپا و فرمانده واحد عملیات نیروی قدس سپاه ارتقا یافت و علی دایی در مورد او افشاگری کرد) تیم مذاکره‌کننده ماشین ترور بودند. متهمان به قتل از وین به تهران پرواز کردند. دادستان وین دومه بعد از خروج آن‌ها حکم بازداشت را صادر کرد!! پیتر پیلز یکی از نمایندگان مجلس اتریش به ژنرال خبرنگار پی.بی.سی می‌گوید: «بر خلاف آلمان دستگاه قضایی اتریش مستقل نیست و دولت نفوذ زیادی دارد... مقامات اتریشی در آن زمان باور داشتند بازگرداندن متهمان به تهران منافع اقتصادی مهمی برای همه اتریشی‌ها دارد.»

فریدون فرخزاد، ۵۴ ساله، دکترای علوم سیاسی از آلمان، شاعر، خواننده و شومن در سال ۱۹۹۲ با ۳۷ ضربه چاقو در شهر بن در منزلش از پای درآمد. وی به شدت منتقد حکومت و آخوندها بود. با وجود روحیه مبارز، انسانی و عاطفی در ماه‌های آخر روحیه افسرده‌ای داشت. مقامات امنیتی به بهانه ملاقات او و مادرش به او نزدیک می‌شوند و روز واقعه بعنوان دو مهمان با چاقویی که فریدون برای مهمانانش هندوانه خریده بود، او را از پای در آورند. جسد چند روز در آپارتمان می‌ماند و با زوزه‌های دو سگ فریدون همسایه‌ها به پلیس زنگ می‌زند. ده سال بعد به گزارش نشریه فوکوس آلمان سخن‌گوی دادستان آلمان از قول فرانک کاترین شویتن می‌نویسد: «ماموران دادستانی چند مورد را که در رابطه با سازمان‌های امنیتی است بررسی می‌کنند... این سخن‌گو حاضر به بیان جزئیات بیش‌تر که ممکن است موجب آسیب رساندن به روابط آلمان و ایران شوند، نشد.» اشاره سخن‌گوی دادستان آلمان، هم‌چنین به ترور علی اکبر محمدی ۳۶ ساله، خلبان هاشمی رفسنجانی بود که با هواپیمای جت دولتی به بغداد فرار کرد و از آن‌جا به هامبورگ رفت و اطلاعاتی درباره سیستم دفاعی آلمان داده بود. او در سال ۱۹۸۷ توسط دو قاتل حرفه‌ای با شلیک پنج گلوله به سر به قتل رسید.

قتل فریدون فرخزاد، شاپور بختیار، سروش کتیبه و در ایران پروانه و داریوش فروهر و هم‌چنین اخیرا داریوش مهرجویی و همسرش وحیده محمدیفر در کرج، همه از یک الگوی اجرایی مخالف‌کشی با ضربات چاقو صورت گرفته است. الگوی دومی که ماشین ترور دولتی به کار برده شلیک گلوله غالباً توسط موتور سواران به سرگردن است.

ماشین ترور جمهوری اسلامی در سپتامبر ۱۹۹۲، دوباره فعال شد و چهار کرد مخالف حکومت در برلین با ۳۰ گلوله در رستورانی به نام میکونوس ترور شدند. دکتر صادق شرفکنندی دبیرکل حزب دمکرات کردستان، فتاح عبدی نماینده حزب در اروپا، همایون اردلان نماینده حزب در آلمان و نوری دهکردی مترجم حزب کشته شدند. کاظم دارابی شهروند ایرانی مقیم آلمان و ۴ شهروند لبنانی در دادگاه محکوم شدند. کاظم دارابی و عباس رحیل تبعه لبنانی به حبس ابد و یوسف امین و محمد اتریس هر دو لبنانی به ترتیب به ۱۱ و ۵ سال زندان محکوم شدند. دادگاه پس از ۵ سال با ۱۷۰ شاهد در کشمکش با قوه مجریه حکم مستقل خود را اعلام کرد. برونو یوست دادستان عالی آلمان پرونده میکونوس را به دست گرفت و مرعوب تهدیدات خود و خانواده اش از سوی جمهوری اسلامی نشد. این دادگاه ثابت کرد دستگاه قضاییه آلمان مستقل است و زیر بار فشارهای سیاسی که از جانب دولت ایران و آلمان انجام شد، نرفت. برای اولین بار یک دادگاه، جمهوری اسلامی را به خاطر تروریسم دولتی محکوم کرد. از این زاویه میکونوس نقطه عطفی در کارنامه ترور حکومت اسلامی محسوب می‌شود. دادگاه میکونوس پس از دادگاه نورنبرگ آلمان که به جنایات نازی‌ها پرداخت، یکی از مهم‌ترین پرونده‌های قضایی این کشور محسوب می‌شود. طبقات سیاسی رای دادگاه برای جمهوری اسلامی پر هزینه بود. دادگاه ۴ دیپلمات ایرانی را اخراج و کشورهای عضو اتحادیه اروپا سفرای خود را از ایران فراخواندند. برای علی فلاحیان حکم جلب صادر شد. مناسبات بحرانی شد. اواخر دوران ریاست جمهوری رفسنجانی بود. عملاً خیابان‌های اروپا از جمله پاریس، لندن، وین، برلین و ژنو تبدیل به حیاط خلوت

جمهوری اسلامی برای اجرای ترورهای مخالفان شده بود. تا آن زمان به خاطر منافع اقتصادی اروپا در ایران نوعی مماشات در دادگاه ها صورت می گرفت. یکی از پیامدهای دادگاه میکونوس، توقف ترورهای جمهوری اسلامی در خاک اروپا بود. اما در جاهای دیگر دنیا مثل ترکیه و عراق ادامه داشت. این توقف تا بمب گذاری ناموفق جمهوری اسلامی حداقل به مدت ۲۶ سال ادامه یافت در سال ۲۰۱۸ دبیر سوم سفارت ایران در وین اسدالله اسدی، ۴۸ ساله در آلمان دستگیر شد. دادگاهی در بلژیک او را به جرم توطئه و برنامه ریزی برای بمب گذاری در کنفرانس سالیانه سازمان مجاهدین خلق محکوم کرد.



گردهمایی های مداوم اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق در مقابل ساختمان دادگاه حمید نوری در استکهلم

پلیس اروپا اسدی را از مسئولان اصلی دستگاه اطلاعاتی جمهوری اسلامی در کل قاره و او را مغز متفکر نقشه خنثی شده بمب گذاری می دانند. نشست سالیانه در نزدیکی پاریس برگزار شد و در آن چهره های سیاسی بین المللی حضور داشتند. در صورت موفقیت عملیات، انفجار می توانست به یک بحران جدی سیاسی-نظامی تبدیل شود. دادستان های بلژیک، اسدالله اسدی را فرمانده عملیاتی بمب گذاری خواندند و با وجود مصونیت دیپلماتیک او به ۲۰ سال زندان محکوم شد. محل ماموریت دیپلماتیک اسدی اتریش بود و دادگاه در خاک بلژیک برگزار شد. افزون بر او امیرسعدونی و نسیمه نعیمی (زوج ایرانی- بلژیکی) و مهرداد عارفانی، شاعر به تحمل ۱۵ تا ۱۸ سال زندان محکوم شدند. دادگاه پیام بسیار روشنی برای ماشین دولتی ترور داشت. حکم ۲۰ سال زندان برای یک دیپلمات و عملیاتی که کسی در آن کشته نشد، بالاست.

آخرین عملیات ماشین ترور دولتی را پارسال در ترکیه شاهد بودیم. ترکیه، عراق، قبرس و سوریه با ترورهای اخیر عملا به حیاط خلوت جمهوری اسلامی برای حذف فیزیکی مخالفان تبدیل شده است. مسعود مولوی، ۳۳ ساله، ادمین کانال «جعبه سیاه» در نوامبر ۲۰۱۹ با ۱۱ گلوله از پشت سر در استانبول ترور شد. به نوشته رویترز تیمی از دیپلمات ها و ماموران اطلاعاتی ایران در قتل مولوی نقش داشته اند. مسئولیت تیم ترور را علی اسفنجانی به عهده داشت که دیرتر به ایران گریخت. مولوی در ابتدا در بخش امنیت سایبری وزارت دفاع ایران فعالیت داشت ولی در پس آن به منتقد جمهوری اسلامی تبدیل شد. در اولین و تنها بخش از «سریال مستند ولایت مطلقه فساد» تحت عنوان مافیای خاکستری دست به افشاگری از فرماندهان سپاه و بیت رهبری با عکس و هم چنین به فساد مالی هولدینگ یاس می پردازد. همین یک بخش و عبور از خط قرمز نظام کافی بود که فردی را که قبلا خادم آنان بود در خیابان های ترکیه به خاک بیافکنند. در فایل صوتی که از او به دست آمده، اشاره دارد با اطلاعات، سندها و عکس هایی که از سپاه و وزارت اطلاعات خارج کرده، مطمئن است که حتی اگر دراروپا بماند دست جمهوری اسلامی به او خواهد رسید.

محمد رضا کلاهی، ۵۶ ساله کاردان تجهیزات صوتی در حزب جمهوری اسلامی، یا به قولی نفوذی سازمان مجاهدین خلق متهم به بمب گذاری در دفتر نخست وزیری در سال ۱۹۸۱ میلادی با نام مستعار علی معتمد به هلند پناهنده شد. ۳۴ سال بعد در سال ۲۰۱۵، در یک خیابانی ترور شد. دادستان عمومی هلند کشف کرده که نوفل فسیح عضو یک باند خلاف کار با ۱۳۰ هزار یورو با استخدام دو نفر کلاهی را از پا درآورده است. هر دو قاتل به بیش از ۲۰ سال زندان محکوم شده اند.

در سال ۲۰۱۷ سعید کریمیان، ۴۵ ساله، شهروند بریتانیا مقیم دوی مدیر شبکه ماهواره ای جم با ۲۷ گلوله در استانبول ترور شد. او به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام به ۶ سال زندان محکوم شد. نام وی در روزنامه «حمایت» وابسته به قوه قضاییه ایران (۱۳۹۶ شمسی) در کنار شماری از ایرانیان خارج از کشور آمده که با حکم غیابی به اتهام تبلیغ علیه نظام به ۶

سال زندان محکوم شده بود. جم به زبان فارسی، دری، عربی، آذری و کردی برنامه پخش می کرد. خود او در گفت و گویی با رادیو کوچه هر نوع وابستگی سیاسی و مالی را رد می کند و شبکه جم را سرگرم کننده خواند. پخش تیزر برخی از فیلم های سینمایی تولید ایران در این شبکه از جمله فیلم مشکل گیتی موجب توقیف آن ها شد. پس از ترور، خانواده کریمیان به ژیارگ خبرنگار بی.بی.سی گفته: «در سه ماه اخیر از طرف رژیم ایران تهدید شده و قصد داشت به لندن برگردد.» این ترورها به صورت سیستماتیک برای حذف فیزیکی مخالفان انجام گرفته است. چرا که جمهوری اسلامی ایران، تداوم حیات خود را در ترور مخالفان می جوید؟

### قوانین جهان شمول بین المللی

معاهدات بین المللی به عنوان مهم ترین منابع حقوق بین الملل، فعالیت کشورها و سازمان های بین المللی را در صحنه بین المللی شکل می دهند؛ و با توجه به کارکرد اصلی معاهدات در صحنه بین المللی، می توان از آن به عنوان نمود خارجی توافقات بین المللی در بین اعضای جامعه بین الملل تعبیر کرد. در دهه های اخیر و پس از جنگ دوم جهانی، بسیاری توافقات جهان شمول امروزه اهداف و حتی خصایص مختلفی را در جامعه بین المللی یافته و توانسته است به عنوان معمولی ترین ابزار برای برقراری توافق و ایجاد تعهد در بین اعضای جامعه بین المللی استفاده شود. در سال ۱۹۴۶، پس از اعلام احکام دادگاه نظامی بین المللی در نورنبرگ، سازمان ملل متحد به اتفاق آراء، این احکام و منشور نورنبرگ را به عنوان قوانین بین المللی الزامی به رسمیت شناخت. کلیدی ترین «اصول نورنبرگ» که سازمان ملل نیز به رسمیت شناخته عبارت اند از:

جنایات علیه صلح، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت طبق قوانین بین المللی جرم محسوب می شوند؛ هر کس، حتی رهبر حکومت که مرتکب جنایت بین المللی شود، از نظر قانونی، قابل پیگرد و پاسخ گو است؛ مجازات جنایات بین المللی باید در یک دادگاه عادلانه و بر اساس حقیقت و قانون تعیین شود؛ هر کس که با پیروی از فرامین مقامات مافوق خود، دست به جنایت بین المللی زده است، مسئولیت قانونی جنایت را بر عهده دارد.

علاوه بر اصول نورنبرگ، سازمان ملل متحد کنوانسیون ها، معاهدات و بیانیه های مختلفی را در نخستین سال های پس از جنگ جهانی دوم تصویب کرد. هدف ایجاد نظامی از حقوق بین الملل بود که از برقراری صلح و امنیت کل بشریت محافظت کند و اقداماتی را که انسان را تهدید می کند، مجازات کند. در دسامبر ۱۹۴۸، سازمان ملل متحد کنوانسیون پیش گیری از جنایت نسل کشی و مجازات آن را تصویب کرد. در سال ۱۹۴۹، کشورهای عضو سازمان ملل کنوانسیون های جدید ژنو را تصویب کردند. کنوانسیون های ژنو جایگزین کنوانسیون های قبل از جنگ جهانی دوم شدند که هدف از آن ها محافظت از مبارزان در جریان درگیری های مسلحانه بین المللی بود. علاوه بر بسط قانونی صیانتی پیشین، کنوانسیون های جدید برای اولین بار تدابیری نیز برای صیانت از غیر نظامیان در نظر گرفتند. در این کنوانسیون ها، قوانینی نیز برای درگیری های مسلحانه داخلی، از جمله جنگ های داخلی وضع شدند.

پس از محاکمات دادگاه نظامی بین المللی، سازمان ملل به دنبال ایجاد یک نظام نامه جهان شمول برای جنایات بین المللی و تاسیس یک دادگاه بین المللی دائمی برای محاکمه عاملان این جنایات بود. تنش های جنگ سرد این تلاش ها را به مدت ۵۰ سال به تعویق انداخت. در طول این مدت، جنایات بین المللی در ابعادی گسترده ادامه یافت.

در نهایت، در دهه ۱۹۹۰ بود که اعضای سازمان ملل موفق شدند، بر سر ایجاد دادگاه های بین المللی «تک منظوره» برای بررسی اتهامات عاملان جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل کشی که در درگیری های ملی در یوگسلاوی سابق و در رواندا رخ داده بود، به توافق برسند. بر خلاف دادگاه نظامی بین المللی نورنبرگ، دادگاه های یوگسلاوی و رواندا نه نظامی بلکه مدنی بودند. در این دادگاه ها، دادستان یا قاضی از کشورهای که در درگیری ها مشارکت نکرده بودند، حضور نداشتند؛ و برای اولین بار احکامی به اتهام نسل کشی صادر شد و تجاوز و خشونت جنسی نیز به عنوان جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت مطرح شد.

جنگ و درگیری های دیگر منجر به تاسیس دادگاه های «ترکیبی» ویژه ای شدند که بر اساس قوانین ملی و بین المللی و با استفاده از کارکنان محلی و جهانی تشکیل شدند. در سال ۲۰۱۲، دادگاه ویژه سیرالئون رویه قضایی نورنبرگ را تأیید کرد. بر اساس این رویه، حتی سران کشورها را نیز می توان به جنایات بین المللی محکوم کرد. در این دادگاه، «چارلز تیلور»، رئیس جمهور سابق لیبیا، به جرم ارتکاب جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت متهم و محکوم شد.

این دادگاه ها رویه های قضایی مهمی را رقم زدند. پیش از آن، حقوق بین الملل و رویه های قضایی جهانی به تنظیم روابط بین کشورها (مبتنی بر اصل حاکمیت دولت) محدود می شدند. اما با ایجاد دو فقره جرم جدید، یعنی «جنایت علیه صلح» و «جنایت علیه بشریت» منشور نورنبرگ مقرر کرد که حقوق بین الملل، هم چنین باید از افرادی که مورد خشونت، قتل،



بدرفتاری و آزار و اذیت و سرکوب دولت‌ها قرار می‌گیرند نیز حمایت کند. علاوه بر این، دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو نشان داد که لزومی ندارد که جرایم بین‌المللی در همان کشوری مورد بررسی و قضاوت قرار گیرند که آن جرایم در آن‌ها صورت گرفته‌اند. اسرائیل، در سال ۱۹۶۱، از این مفهوم صلاحیت جهانی برای محاکمه «آدولف آیشمن» در دادگاه اورشلیم استفاده کرد. بررسی جنایات جنگی هزاران تن از عاملان متحدین در دادگاه‌های ملی کشورهای اروپایی، آسیایی و اقیانوسیه این اصل را تقویت کرد که می‌توان هر فرد را در قبال خشونت‌های جنگی پاسخ‌گو دانست و مورد پیگرد قانونی قرار داد.

## نتیجه‌گیری

دادگاه بدوی حدود ۱۰۰ جلسه و بیش از ۹ ماه به طول انجامید. در مجموع ۳۴ شاکی و ۲۶ شاهد در این دادگاه حاضر شدند. دادگاه تجدیدنظر او نیز فرایندی ۹ ماهه است.

دادگاه تجدیدنظر او چهارشنبه ۱۱ ژانویه ۲۰۲۳ آغاز شد. در نخستین جلسات دادگاه تجدیدنظر، دادستان، به ارائه کیفرخواست و بازخوانی شهادت‌ها پرداخت و پس از آن وکلای شاهدان و شاکیان صحبت کرده بودند.

در روز ۲۳ تیر ۱۴۰۱ سرانجام دادگاه بدوی سوئد بعد از ۹۲ جلسه رای نهایی خود را صادر کرد؛ قاضی دادگاه حکم حبس ابد (اشد مجازات) برای عامل قتل عام ۶۷ حمید نوری را اعلام کرد.

قاضی دادگاه در ادامه اعلام حکم گفت: «خمینی فرمان صادر کرد که مجاهدین سرموضع باید اعدام شوند. دادگاه به این نتیجه رسید افرادی که علیه مجاهدین در دادگاه‌های کوتاه حکم صادر می‌کردند و بلافاصله حکم‌شان اجرا می‌شد از نظر دادگاه اقدامات‌شان نقض و خیم قوانین بین‌المللی است.»

قاضی دادگاه سوئد در ادامه گفته بود: «این پرونده مربوط به اعدام مجاهدین در قتل عام سال ۶۷ هست و هم‌چنین تعدادی از زندانیان مارکسیست که آن موقع اعدام شدند.»

قاضی دادگاه سوئد در ادامه گفت: «دادگاه به دلیل صلاحیت جهان‌شمول صلاحیت داشت که این پرونده را که مربوط به رژیم ایران بود مورد بررسی قرار بدهد.»

قاضی دادگاه سوئد: «ده‌ها نفر شهادت دادند و کسانی بودند که مشارکت داشتند نتیجه این است که حمید نوری برای جنایت علیه منافع عمومی مجرم شناخته شد.»

دادگاه تجدیدنظر نوری، چهارشنبه ۱۱ ژانویه ۲۰۲۳ آغاز شده بود و حکم نهایی قرار است در تاریخ ۱۹ دسامبر -۲۸ آذر صادر شود.

روشن است که بعد از اعلام رای نهایی دادگاه استیناف، حمید نوری از کنترل قوه قضایی خارج شده و به لحاظ قانونی در اختیار قوه مجریه و سازمان زندان‌ها قرار خواهد گرفت. پس از این دوره است که احتمال دارد بلافاصله مذاکرات و بده و بستان‌های جمهوری اسلامی ایران و دولت سوئد برای مبادله حمید نوری با یوهان فلودروس و یا دکتر جلالی آغاز خواهد شد.

به نظر مهم نیست نوری آزاد بشود و یا در زندان بماند مهم زنده شدن کشتار ۱۳۶۷ زندانیان سیاسی در جامعه جهانی و داخل ایران است. جمهوری اسلامی بیش از سه دهه تلاش کرده بود این جنایت خود را به فراموشی بسپارد اما در دوره محاکمه حمید نوری، این سیاست جمهوری اسلامی کاملاً شکست خورده است و جنبش دادخواهی بیش از پیش قوی‌تر و اجتماعی‌تر شده است.

در واقع به نوعی می‌توان گفت محاکمه یک عنصر قضایی، یعنی این ماشین آدم‌کشی جمهوری اسلامی در یک کشور دموکراتیک مانند سوئد و توسط دستگاه قضایی مستقل، محاکمه کلیه دم و دستگاه جمهوری اسلامی به‌ویژه بنیان‌گذار آن خمینی، محسوب می‌شود. دادگاهی که مرهمی کوچکی است برای کمک کردن درد و سوزش زخم‌های عمیق همه پدران و مادران و کودکان و شهروندانی است که جمهوری اسلامی عزیزان آن‌ها را به دیار نیستی فرستاده است. از سوئی، احتمال دارد اسناد این دادگاه در آینده نه چندان دور، به‌عنوان یک کنوانسیون حقوقی بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد. هم‌چنین اسناد این پرونده، در فردای سرنگونی کلیت حکومت اسلامی و در محاکمه همه رهبران و مقامات به‌ویژه مقامات سیاسی، قضایی و امنیتی جمهوری اسلامی در دادگاه‌های مردمی، تاثیرگذار خواهند بود.

سه‌شنبه بیست و سوم آبان ۱۴۰۲ - چهاردهم نوامبر ۲۰۲۳